

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ادامه بررسی آیات دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

در بحث از آیات مربوط به جهات تا به حال آیاتی که دلالت بر مشروعیت جهاد ابتدایی دارد را خواندیم و تا اینجا روشن شد که ما آیاتی در قرآن کریم داریم که دلالت بر اصل مشروعیت جهاد ابتدایی دارد، یعنی آیاتی که خدا به مسلمانها اجازه می‌دهد یا واجب می‌کند در شرایطی که ولو کفار هم به قتال ابتداء نکنند اما اینها برونند برای جهاد، فلسفه‌اش را هم از خود قرآن کریم استفاده کردیم و گفتیم منحصر به اعلاء کلمه‌ی توحید نیست.

یکی از نکاتی که در بحث‌های گذشته به آن رسیدیم این است که در کلمات بزرگان می‌گویند جهاد ابتدایی فقط برای اعلاء کلمه‌ی توحید است، ما آیاتی خواندیم که نه، اغراض و اهداف دیگری هم در مورد جهاد ابتدایی مطرح است، ما به این نتیجه رسیدیم که قتل به عنوان یک واجب تخییری در مسئله‌ی جهاد ابتدایی مطرح است، اما اختیارش با حاکم مسلمین در همان زمان خودش است، به این نتیجه رسیدیم که اگر مشرکی پناه بخواهد تا هر مدتی که مصلحت باشد می‌شود به او پناه داد و در این زمان قتل او جایز نیست. اینها نکاتی بود که از این آیات تا به حال استفاده شده و نکات دیگری که دیگر نیازی به تکرار ندارد.

بررسی چند طائفه از آیات معارض با آیات دال بر جهاد ابتدایی و تبیین کیفیت جمع آنها؛

اما در قرآن کریم آیات دیگری هم داریم که چه بسا از این آیات استفاده می‌شود که با این آیاتی که تا به حال خواندیم (فَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ) «فاقتلوه» سازگاری ندارد و باید ببینیم کیفیت جمع بین این آیات و آیاتی که تا به حال خواندیم چیست؟ در بعضی از آیات مسئله‌ی «القاء سلم» مطرح است و اینکه اگر مشرکین پیشنهاد صلح دادند خدا برای شما مسلمانها علیه آنها سبیلی را قرار نداده.

الف. بررسی آیه 90 و 91 مبارکه نساء:

سلطنت مسلمین بر مشرکین تنها در مواردی است که ایشان بنای جنگ با مسلمین دارند نه بنای صلح؛

در سوره مبارکه نساء آیه 91 خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: (سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا) که ما به مناسبت کلمه (الْفِتْنَةَ) قبلاً همین آیه را شاهد قرار دادیم بر اینکه مراد از (الْفِتْنَةَ)، شرک است، (كُلًّا مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوا لَمْ يَعْزِلُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَذُوقُوا قَوْلَهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ) آیه می‌فرماید (فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوا لَمْ يَعْزِلُوا)، اگر اینها کناره‌گیری نکردند شما را، اگر اینها کنار نگرفتند از شما، یعنی آمدند به جنگ شما،

وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ) یعنی «ان لم یلقوا إلیکم السلم»، سلم و صلح را با شما مطرح نکردند و القاء صلح نکردند (**وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ**) یعنی «لم یکفوا أیدیهم» (**فَخَذُواهُمْ وَأَقْتَلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ**)، یعنی گرفتن اینها و کشتن اینها آنجایی است که (**لَمْ يَعْتَزِلُواكُمْ**)، آنجایی است که «لم یلقوا إلیکم السلم»، آنجایی که «لم یکفوا أیدیهم»، اگر این کار را کردند (**وَأَوْلَانَكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا**) این افرادی که بنای جنگ با شما دارند و بنای صلح ندارند ما بر شما مسلمانها علیه اینها سلطنت قرار می‌دهیم.

البته در آیه 90 تصریح دارد می‌فرماید: (**فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ فَلَمْ يَفَاتِلُواكُمْ وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ**) یعنی مفهوم این آیه‌ی 91 به صورت منطوقی در آیه‌ی 90 ذکر شده می‌فرماید (**فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ**) اگر از شما مسلمانها کناره‌گیری کردند، عزلت اختیار کردند یعنی جنگ نکردند، کناره گرفتند و با شما جنگ نکردند (**وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ**)، پیشنهاد سلم و سلامتی و صلح و سازش دادند: (**فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا**) اصلاً تصریح می‌کند که (**فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا**) مای نافییه است خدا به نفع شما بر ضرر اینها دیگر سبیلی را قرار نداده، یعنی آن آیه بعد که ما به صورت مفهومی از آن می‌فهمیم این آیه هم به صورت منطوقی، می‌گوید اگر مشرکین پیشنهاد صلح دادند و دیگر جنگ نکردند شما بر آنها سبیلی ندارید.

تبیین موضوع آیات 90 و 91 نساء:

موضوع این آیات در مواردی است که مشرکین اعلام صلح نمایند؛

ما باشیم و ظاهر آیه باید بگوئیم این آیات در جایی است که (**وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ**) یعنی مشرکین صریحاً پیشنهاد صلح را دادند، گفتند ما کاری به کار شما مسلمانها نداریم ما با شما جنگ نمی‌کنیم یعنی موضوع این آیات در جایی است که اعلام می‌کنند صلح را و اعلام می‌کنند عدم قتال را و در نتیجه باز با آن آیاتی که مشرکین چیزی نمی‌گویند، القاء سلم نکردند و جنگ هم نمی‌کنند، یک مقداری موضوعاً با آن تفاوت پیدا می‌کند.

بررسی یک سؤال:

آیا آیات 90 و 91 نساء، بر طریقت القاء سلم دلالت دارد؟

حال آیا ما بگوئیم این مقدار تفاوت هست یا از این آیات بگوئیم القاء سلم طریقت دارد آنچه که هست این است که بالفعل جنگ نکنند، آیا می‌شود از این آیات بگوئیم که این القاء سلم خصوصیتی ندارد و بالفعل اینها با شما جنگ نکنند.

تبیین جواب از منظر مختار:

تکرار منطوق و مفهوم القاء سلم، مفهوم موضوعیت داشتن القاء سلم در این آیات است؛

جواب این است که این خلاف ظاهر است، ظاهرش این است که این موضوعیت دارد و لذا در دو تا آیه هم تکرار شده،

ب. بررسی آیه 61 انفال: در صورت القاء سلم توسط مشرکین، دیگر مسلمین سلطنتی بر مشرکین ندارند؛

حالا ما هنوز با این آیات کار داریم. باز راجع به سلم در آیه‌ی 61 سوره مبارکه انفال آمده (**وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ**) اگر مشرکین تمایل برای صلح پیدا کردند (**فَاجْنَحْ لَهَا**) یعنی اگر دیدی در اینها تمایل سلم است، که البته بین (**جَنَحُوا لِسَلْمٍ**) و (**وَأَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ**) فرق وجود دارد، زیرا (**جَنَحُوا**) یک مرتبه‌ی ضعیف‌تر از آن است یعنی شما احساس کردید که اینها می‌خواهند با شما

صلح و سازش داشته باشند (فَاجْتَنِبْهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) در اینجا می‌گوید (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنِبْهَا)، در آن آیه می‌گوید (فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا)، یعنی اگر می‌گویند القاء سلم کردند دیگر مسلمان‌ها سلطنت و سبیلی بر کفار ندارند در این فرض و مفهوم آیه‌ی 91 نساء را هم مطرح کردیم.

بررسی نسبت آیات دال بر القاء سلم با آیات دال بر جهاد، ضمن چهار احتمال؛

این‌جا یک طایفه‌ی از آیات است که باید این را مورد بحث قرار بدهیم؛ آیاتی که دلالت دارد اگر مشرکین القاء سلم کردند و جنگ نکردند مسلمان‌ها حق جنگ کردن با اینها را ندارند، این آیات چه نسبتی با آیات سوره توبه، آیات سوره‌های دیگری که ما از آن مسئله‌ی جهاد ابتدایی را استفاده کردیم (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً) □ (وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ) □ (فَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً)، چه نسبتی با این آیات پیدا می‌کند. اینجا مجموعاً در کلمات سه احتمال آمده است که ما باید ببینیم این چهار احتمال آیا درست است یا خیر؟

احتمال اول:

نسخ آیات سلم به آیات جهاد؛

مسئله‌ی نسخ است، یعنی این آیاتی که امروز خواندیم آیات سلم منسوخ به آیات برائت است.

احتمال دوم:

مسأله تدریجیت در نزول آیات؛

همان مطلبی که ما مکرر گفتیم آیات جهاد تدریجاً مشروع شد لذا تنافی بین اینها وجود ندارد. این آیات سلم مال زمان‌های ابتدایی است اما بعد که مسئله‌ی فتح مکه مطرح شد آنجا دارد (فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ) ما بیائیم مسئله‌ی تدریجیت را مطرح کنیم.

احتمال سوم:

آیات سلم مطلق و آیات جهاد مقید؛

اینکه بیائیم اینجا قاعده‌ی اطلاق و تقييد را مطرح کنیم.

احتمال چهارم:

وجود اختلاف موضوعی بین آیات سلم و جهاد به دو کیفیت.

این است که بگوئیم بین این آیات و آیات جهاد ابتدایی اختلاف موضوعی وجود دارد، منتهی این اختلاف موضوعی ممکن است دو کیفیت برایش ذکر شود، باید ببینیم کدام یک از این دو کیفیت درست است.

پس ما آیات جهاد را خواندیم این آیاتی که مربوط به سلم است به حسب ظاهر این آیات می‌گوید اگر مشرکین القا و پیشنهاد صلح دادند و جنگ نکردند شما هم حق ندارید با ایشان جنگ کنید.

بررسی احتمال اول از منظر عامه و خاصه؛

حالا روی احتمال اول مسئله نسخ را مطرح می‌کنیم؛ در این زمینه دو نظریه قابل توجه است که عبارتند از:

الف. تبیین نظریه اکثر اهل سنت:

آیات سلم، منسوخ به آیات جهاد است؛

اینجا کثیری از مفسرین عامه مثل ابن عباس، قتاده، ابن مسعود، اینها گفته‌اند که اینجا مسئله‌ی نسخ در کار است، یعنی آیات سوره‌ی براءت در سال نهم هجرت نازل شده، در قضیه‌ی فتح مکه نازل شده، این آیه‌ی 61 انفال که خواندیم سوره‌ی انفال مربوط به قضیه‌ی جنگ بدر است، در اوایل اسلام است، بگوئیم این آیات سوره‌ی براءت نسبت به این آیات انفال و نساء ناسخه است. ابن عباس می‌گوید «إن آية النساء منسوخة بآية البرائة» آیه‌ی نساء همین آیه‌ی 90 و 91 است. ابن عباس در دنباله‌ی کلامش می‌گوید «و آية الانفال منسوخة بآية السيف»، آیه‌ی سيف آیه‌ی 29 سوره مبارکه توبه است ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ آیه مربوط به اهل کتاب است ما هم آیات کتاب را فعلاً مربوط به مشرکین خواندیم، ابن عباس می‌گوید آیه 61 سوره انفال منسوخ به این آیه‌ی سيف است.

ب. تبیین نظریه برخی از امامیه:

آیات سلم، منسوخ به آیات جهاد است؛

مسئله‌ی نسخ اختصاص به اهل سنت ندارد و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (قده) نیز این مطلب آمده است، آنجا ایشان می‌گوید: «كانت سيرة رسول الله (ص) قبل نزول سورة البرائة أن لا يقاتل إلا من قاتله»، اصلاً جزء سیره‌ی پیامبر (ص) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) روش‌شان بر این بود که اگر کسی با ایشان جنگ می‌کرد با او می‌جنگید «و لا يحارب إلا من حاربه و أرادته و قد كان نزل عليه في ذلك من الله عزوجل فإن اعتزلوهم» این آیه 91 نساء در این مورد است. «فكان رسول الله (ص) لا يقاتل أحداً قد تنهى عنه واعتزله»، کسی که از پیامبر (ص) کناره‌گیری کرده بود و کاری به پیامبر (ص) نداشت، پیامبر (ص) هم کاری به او نداشت «حتي نزلت عليه سورة البرائة و امر الله بقتل المشركين من اعتزله و من لم يعتزله، إلا الذين قد كان عاهدهم رسول الله يوم فتح مكة إلى مدة» که در روز فتح مکه پیامبر (ص) تا یک مدتی با یک عده‌ای عهد بست، یکیش «منهم صفوان بن أمية، سهيل بن عمر». لذا در تفاسیر خودمان هم این مطلب آمده که وقتی ایشان اینطور می‌گویند به این معناست که آیه‌ی براءت ناسخ این آیه سوره‌ی نساء و آیه‌ی سوره‌ی انفال است.

بررسی مناقشه محقق خوبی (قده) بر احتمال اول:

آیات 90 و 91 نساء مربوط به منافقین و مرتدین است نه مشرکین، تا با آیات جهاد سازگاری باشد و مساله نسخ مطرح باشد؛

حال آیا مسئله‌ی نسخ در ما نحن فیه درست است یا نه؟ ما قبلاً یک فرمایشی را از مرحوم آقای خوئی (قده) نقل کردیم، ایشان معتقدند اکثر مواردی که اهل سنت در تفاسیرشان گفتند نسخ وجود دارد، ایشان معتقدند حرف باطلی است. ایشان از تمام موارد، یک یا دو مورد مسئله‌ی نسخ را قبول می‌کنند و الا در تمام موارد می‌آورند 35 یا 36 مورد در کتاب «البیان فی تفسیر القرآن» می‌آورند و می‌فرمایند: اینجا مسئله‌ی نسخ وارد نشده است مثلاً در مورد همین آیاتی که الآن خواندیم از سوره‌ی نساء یعنی آیات 90 و 91 نساء مرحوم محقق خوئی (قده) می‌فرمایند: ما اگر آیات قبل را ملاحظه کنیم این آیات مربوط به مشرکین نیست، بلکه مربوط به منافقین و مرتدین است، یعنی این **(وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا)** در انفال یا **(فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلِمَ يُقَاتِلُكُمْ)** («فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِفْ لَكُمْ وَبُلُّوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ») ایشان می‌فرماید آیات قبل را ببینید، آیات قبل مربوط به مشرکین نیست و بحث جهاد ابتدایی در مورد مشرکین است. آیات قبل از آیه 88 شروع می‌کنم **(فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ)** آیه مربوط به منافقین است؛ چه این‌که خدای تبارک و تعالی به مسلمان‌ها و رسول خدا (ص) می‌فرماید: شما می‌خواهید اینها را هدایت کنید، کسانی را می‌خواهید هدایت کنید که خدا اینها را گمراه کرده **(وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا وَدُوا)** این منافقین **(لَوْ تَكْفُرُونَ)** همانطور که خودشان کافر شدند دنبال این هستند که شما را هم کافر کنند **(كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ)** اگر اینها اسلام را رها کردند، اگر از این منافقین دست از اسلام برداشتند **(حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيَاءَ وَلَا نَصِيرًا)** بعد دو تا استثنا می‌کند **(إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ)** مگر آن منافقین یا مرتدینی که بروند در یک قبیله و قومی که بین این قبیله و شما اهل و پیمانی هست **(بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ)** این یک استثناء **(أَوْ جَاءَكُمْ حَصْرَتٌ صُدُّوهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ)** یا آمدند پیش شما گفتند نه، ما نمی‌خواهیم با شما جنگ کنیم بعد می‌فرماید **(وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ)** شاهد این است **(الَّذِينَ يَصِلُونَ)** چه کسانی هستند؟ همین مرتدین از منافقین هستند، جاءوكم مرتدین از منافقین است. پس از کلام محقق خوئی (قده) استفاده می‌شود که این آیه به خوبی دلالت دارد بر لزوم قتل مرتد، وقتی می‌فرماید **(فَإِنْ تَوَلَّوْا)** اگر این منافقین انکار کردند بالأخره اسلام را قبول نکردند **(فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ)**، این ضمیرها همه به اینها برمی‌گردد، بعد هم **(وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ)** بعد دارد **(فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ)** یعنی همین مرتدین از منافقین، دیگر به مشرکین نمی‌خورد، یعنی منافقین. بعد در آنجا دارد **(أَلْفُوا إِلَيْكُمْ السَّلْمَ)** این مربوط به منافقین است.

پس این آیات 90 و 91 سوره نساء که مربوط به القاء سلم است مربوط به مشرکین نیست تا با آیات جهاد ابتدایی سازگاری نداشته باشد و مسئله‌ی نسخ بخواد مطرح باشد، این مربوط به منافقین و مربوط به مرتدین است. این مطالب را در کتاب «البیان فی تفسیر القرآن» صفحه 340 ببینید.

جلسه آتی: بررسی صحت نظریه محقق خوئی (قده):

البته برای اینکه ببینیم فرمایش محقق خوئی (قده) درست است یا نه؟ باید شأن نزول این آیات سوره‌ی نساء را ببینید، آیا با توجه به شأن نزول آیات و مراجعه به کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» شیخ طوسی (قده) و کتاب «مجمع البیان» شیخ طبرسی (قده) این موضوع قابل تصدیق است یا خیر؟

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين